

پنجشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۳
شماره ۴۳۰۸
ف.ا.خ.
FARHIKHTEGANDAILY.COM
ف.ا.خ.
FARHIKHTEGANONLINE

تحلیل محتوای نظرات وزرای اقتصادی دولت پزشکیان؛ یا سکوت کردند یا مثل همتی غیرتخصصی حرف زدند

روی استیج ۱۴۰۷؟

فرهنگ‌یختگان

ظاهراً خاموشی این روزها به برخی وزارتخانه‌ها هم رسیده و خبری ازبرخی وزرا نیست. مردم در این اوضاع اقتصادی علاوه بر انتظار برای رفع مشکلاتشان، نیاز به شنیدن کلماتی دلگرم کننده بابت شرایط موجود دارند اما به نظر می‌رسد این موضوع چندان در اولویت‌های دولت قرار نگرفته است. آخرین حرف‌های سیدمحمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت و عباس علی آبادی، وزیر نیرو یا مردم، مربوط به سه چهارم پیش است که مردم را به پوش «دو درجه کمتر» دعوت کردند. اما محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت روز گذشته بابت کمیوگاز از مردم عذرخواهی کرد و گفت سعی می‌کنیم سال آینده مشکلی از این بابت نداشته باشیم. آن سوی ماجرا، عبدالناصر همتی، وزیر امور اقتصادی و دارایی با اظهار نظرهایی درباره موضوعاتی مثل رفع فیلترینگ و مسائل حاشیه‌ای مربوط به FATF، بار حرف‌زدن همکارانش را به دوش می‌کشسد؛ اما به چه قیمت؟ دغدغه حکمرانی مناسب در زمینه اینترنت و رفع فیلترینگ در جای خودش مهم است اما بهتر نیست وزیر اقتصاد تمرکزش روی نرخ دلار افسارگسیخته و مشکلات معیشتی مردم باشد و حل مسئله فیلترینگ و حواشی جنجالی FATF را به مجاری مربوطه بسپارد؟

— مشکلات اقتصادی آن قدر هست که به مسائل حاشیه‌ای نپردازید

عبدالناصر همتی در اظهارات خود، بارها درباره اهمیت رفع فیلترینگ و تأثیر آن بر مجازی و اقتصاد دیجیتال ایران است و این موضوع را یکی از دلایل عقب‌ماندگی ایران نسبت به کشورهای همسایه می‌داند. او در یکی از سخنرانی‌هایش گفت ما معمولاً نگاه‌دیبینانه به روندهای جدید مثل «اقتصاد دیجیتال و رمزارز» داریم. به جای اینکه مدیران جلوی تهدیدهای آن را بگیریم، محدودیت ایجاد می‌کنیم. این سخنان در حالی مطرح می‌شود که فیلترینگ به‌طور مستقیم در حوزه اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و شورای عالی فضای مجازی قرار دارد. با این حال، همتی نه‌تنها بر رفع فیلترینگ تأکید دارد، بلکه به سیاست‌گذاری در حوزه رمزارزها نیز ورود کرده است؛ موضوعی که هنوز بین بانک مرکزی و سایر نهادها در حال بررسی است. در شرایطی که تورم بالا، رشد نرخ ارز و افزایش قیمت کالا‌های اساسی به‌دغدغه‌های اصلی مردم تبدیل شده، وزیر اقتصاد به جای ارائه راهکارهای مؤثر برای کاهش این رف فیلترینگ و پرداختن به اقتصاد دیجیتال، باعث شده تا بسیاری از کارشناسان چهاردهم، قیمت کالا‌های اساسی افزایش قابل توجهی داشته است. با این وجود، همتی این تغییرات را به عوامل خارجی و تحولات منطقه‌ای نسبت داده و نقش سیاست‌های دولت را در آن‌ها نگ‌رکمی جلوه داده است.

— خطر انحراف از اولویت‌های اقتصادی

درحالی‌که انتظار می‌رفت وزیر اقتصاد با تمرکز بر اصلاح نظام مالیاتی، مدیریت تورم و کاهش شکاف نرخ ارز، به رفع مشکلات اقتصادی بپردازد، اصرار او بر رفع فیلترینگ و پرداختن به اقتصاد دیجیتال، باعث شده تا بسیاری از کارشناسان این رویکرد را انحراف از اولویت‌های اقتصادی بدانند. همتی اشناسه کرده که محدودیت‌های فضای مجازی به کسب‌وکارهای آنلاین، استارت‌آپ‌ها و توسعه فناوری اطلاعات لطمه وارد کرده است. اما سؤال اینجاست که آیا وزیر اقتصاد باید مستقیماً در این حوزه‌ها اظهار نظر کند؟

رفع فیلترینگ، اگرچه ممکن است در توسعه اقتصاد دیجیتال تأثیرگذار باشد، اما به‌خودی‌خود راه‌حلی برای مشکلات اساسی اقتصاد، از جمله بیکاری، تورم و نابرابری اجتماعی نیست. این موضوع باید از سوی وزارت ارتباطات و سایر نهادهای مسئول پیگیری شود و نهایتاً وزارت اقتصاد می‌تواند در این زمینه نقش

تحلیل محتوای نظرات وزرای اقتصادی دولت پزشکیان؛ یا سکوت کردند یا مثل همتی غیرتخصصی حرف زدند



— دردسر سکوت برای اتابک

کمال حسین‌پور، نماینده پیرانشهر در مجلس، از محمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت، به دلیل بی‌توجهی به ماده ۴ قانون ساماندهی صنعت خودرو و عدم صدور مجوز واردات خودرو و شکایت کرده است. این شکایت به استناد ماده ۲۳۴ آیین‌نامه داخلی مجلس تنظیم شده و در صورت تأیید کمیسیون تخصصی، به قوه قضائیه ارجاع خواهد شد. حسین‌پور تأکید دارد اجرای این ماده قانونی می‌توانست با شکستن انحصار بازار خودرو، کیفیت خودروهای داخلی را بهبود بخشد و قیمت‌ها را کاهش دهد. او انتقاد می‌کند که وزیر صمت ارادهای برای حل این بحران ندارد و با سکوت و انفعال خود در برابر ماده ۴ قانون ساماندهی صنعت خودرو، فرصت ایجاد رقابت در بازار را از دست داده است. این درحالی است که واردات خودرو می‌توانست خودروسازان داخلی را وادار به ارتقای کیفیت و کاهش قیمت‌ها کند. حسین‌پور همچنین به افزایش یکباره قیمت خودروهای داخلی ۳۰ درصد اشاره کرده و این مسئله را نتیجه مستقیم عدم نظارت و بی‌توجهی وزیر دانسته است.

وی با طرح شکایت از اتابک، خواستار اعمال ماده ۲۳۴ آیین‌نامه داخلی مجلس شده که براساس آن، نقض یا استکفاف از اجرای قانون توسط وزرا و مقامات دولتی باید توسط کمیسیون‌های مربوطه بررسی و در صورت تأیید، به قوه قضائیه ارجاع شود. این اقدام حسین‌پور به سکوت وزیر صمت در مدیریت بحران خودروسازی کشور اشاره و او را مسئول مستقیم این ناسامانه‌ها معرفی می‌کند.

در مدیریت آن‌هم از نوع کلاش، نه می‌توان با پرداختن به مسائل غیرتخصصی و خروج از وظایف تخصصی مانند عبدالناصر همتی به حاشیه‌رفت و نه با سکوت و انفعال، مشکلات و مطالبات مردم را بی‌پاسخ گذاشت. مدیر کارآمد کسی است که با تمرکز بر وظایف اصلی، پاسخگو نیز باشد و برای حل بحران‌ها، تصمیمات مؤثر و شفاف بگیرد. سکوت یا پرداختن به حواشی، هر دو نتیجه‌ای جز تشدید مشکلات و کاهش اعتماد عمومی نخواهند داشت.

شما وزیر ایرانبید پاسوسین؟ اگر وزیر صمت هستید، چرا برای رفع مشکل صنایع اقدامی نمی‌کنید؟» این انتقادات تنها به نبود اظهار نظر محدود نمی‌شود، بلکه بستناچی تأکید دارد که اتابک حتی در ماه‌های حضورش به‌عنوان وزیر، بازدیدی جدی از شهرک‌های صنعتی و صحبت با واحدهای تولیدی درباره مشکلاتشان نداشته است. این سکوت و عدم حضور، به‌نوعی بیانگر بی‌توجهی به اولویت‌های حیاتی صنعت کشور است.

— صنعتگران در خاموشی رها شده‌اند

صنعتگران و فعالان حوزه تولید انتظار دارند وزیر صمت نه‌تنها مشکلات صنایع را درک کند، بلکه برای رفع آن‌ها اقداماتی ملموس انجام دهد. اما به گفته بستناچی، اتابک حتی به بازدید از شهرک‌های صنعتی و صحبت با تولیدکنندگان برای شناخت مشکلاتشان نیز علاقه‌ای نشان نداده است. اتابک، برخلاف همتی که با اظهارات غیرمرتبط حاشیه‌ساز می‌شود، رویکرد سکوت را در پیش گرفته است. این سیاست اگرچه ممکن است از ایجاد حاشیه‌ها جلوگیری کند، اما در عمل به‌معنای بی‌اعتنایی به مسائل حیاتی و اولویت‌های حوزه مسئولیت اوست. درحالی‌که وزیر اقتصاد، حتی با ورود به مسائل حاشیه‌ای، تلاش می‌کند تأثیرگذار به نظر برسد، وزیر صمت با انفعال خود، صنایع کشور را در برابر بحران‌های پیش‌روی بی‌پناه گذاشته است. این وضعیت، تولیدکنندگان را در شرایط دشواری قرار داده است. کارگران شهرک‌های صنعتی بدون برق نمی‌توانند فعالیت کنند، اما حقوقشان همچنان باید پرداخت شود. کارخانه‌ها در توقف تولید زیان می‌بینند و هیچ حرفی از سوی وزیر این صنایع زده نمی‌شود. علاوه بر این، توزیع ناعادلانه برق و عدم هماهنگی در مدیریت مصرف، باعث سردرگمی و ناامیدی تولیدکنندگان شده است. ناترازی در انرژی به این سرعت حل‌شدنی نیست، اما حداقل می‌شود با صاحبان این صنایع و کارگران صحبت کرد و خسارت‌هایشان را جبران کرد تا در هاله ناامیدی از آینده غرق نشوند. سکوت در برابر بحران‌ها، راه‌حلی برای مدیریت نیست و می‌تواند تبعات جدی برای صنعت کشور به همراه داشته باشد.

در مواجهه با مهاجران افغانستانی: همدلی یا ستیز؟

عبور کرده‌و در مناطق مختلف کشور جای می‌گرفتند. در سال‌های اخیر نیز هم‌زمان با بالاگرفتن تنش‌ها در افغانستان، موج‌های جدید و گسترده‌تری از ورود پناهندگان و آوارگان به کشور ایجاد شد که طی آن هزاران افغانستانی به‌صورت قاچاق انسان و بدون تشریفات قانونی به خاک ایران وارد شدند و ایران نیمی آن‌ها مدگی پذیرش سیل عظیم مهاجران جدید را داشته باشد- در صدر بالاترین کشورهای مهاجرپذیر جهان قرارگرفت.

آمار موقتی در مورد تعداد مهاجران افغانستانی حتی از سوی وزارت کشور که متولی رسمی سامان‌دهی اتباع و مهاجران خارجی است، وجود ندارد. گمانه‌زنی‌های بسیاری از سوی مردم و برخی مسئولان مطرح شده که ممکن است بسیار دور از واقعیت باشد و کثرت گزارش‌های متناقض نشان می‌دهد حتی متولیان مهاجرت هم نمی‌دانند واقعاً چه کسانی و چه تعداد از افغانستانی‌ها در این سال‌ها وارد کشور شده‌اند. ۵ میلیون تا ۱۷ میلیون آمار می‌است که تاکنون از سوی مسئولان مختلف ادعا شده است. طی گذشت سالیان متمادی نسل‌های دوم و سوم مهاجران بیش از پیش در معرض اختلاط با فرهنگ ایران ایرانی قرار گرفتند اما حتی اختلاط فرهنگی هم سبب نشده که مهاجران افغانستانی از سوی دولت و ملت ایران به‌طور کامل پذیرفته شوند. کودکی که در ایران از یک زن افغانستانی زاده می‌شود حتی اگر با فرهنگ ایرانی به‌خوبی آشنا شود باز هم یک افغانستانی مهاجر است و در موقعیت نابسامان و موقتی قرار می‌گیرد. انکار انسانی است که هویت خود را گم کرده‌اند و خودرانه افغانستانی و نه ایرانی می‌دانند هر چند که خانواده‌اش فرهنگ، سنت و مذهب کشور مادری را در او بازتولید کنند گویی این اختلاط فرهنگی و از طرفی عدم پذیرش از سوی کشور رانگه، نسل دوم و سوم مهاجران را در بلاکلیفی هویت ملی قرار می‌دهد و همیشه آن‌ها را با سنان یک دیگری خارجی انگشت‌نما می‌کند. این سطح از بحران هویت ملی و طردشدگی که حتی در نسل‌های دوم و سوم مهاجران دیده می‌شود تبعات منفی برای هر دو ملت ایرانی و افغانستانی

سال‌های اخیر، گاه حس تمایز آن‌قدر زیاد می‌شود که به‌سمت تفرقات نژادپرستانه -لبته- در هر دولت میل می‌کند. ایران زخم‌خورده تحریم‌هاست و رشد اقتصادی صفر و نزدیک صفر در سالیان متمادی و گسترش ناآمن ضروریات زندگی برای برخی از خانوارهای ایرانی را یک چالش نفس‌گیر کرده است. در شرایطی که سفره میزبان کوچک و فقیرانه شده است تعداد بسیار زیاد مهاجر غیرقانونی را تاب نمی‌آورد و رسم مهمان‌داری را کنار می‌نهد. از سوی دیگر، پای صحبت افغانستانی‌ها که می‌نشیند از نوع نگرش‌ها و بر خورد‌های این روزهای ایرانیان با آن‌ها در فضای عمومی و مجازی بسیار گله‌مند و دلخورند. گاهی اوقات امواج افغانستانی‌ستیزی، سونامی وار حرکت می‌کند و خشک و تر را با هم می‌سوزاند. همه افغانستانی‌ها -مهاجران قانونی و غیرقانونی و شریف و خلافکار؛ دوست و دشمن- مورد همه‌جمله قرار می‌گیرند و کرامت انسانی ششان خدشه‌دار می‌شود. در این میان، برخی هم از روی عمد و یا از سر نا آگاهی، به نژادپرستی‌ها دامن می‌زنند و ذهنیت ایرانیان را علیه حضور همه افغانستانی‌ها آکنده‌ترس ها و نگرانی‌های شدید می‌کنند و سبب افزایش حساسیت‌ها و بر خورد‌های گاه غیرانسانی در جامعه نسبت به افغانستانی‌ها می‌شوند.

— مقصر پدیده افغان ستیزی این روزها کیست و یا چیست؟

نقش مسئولیت فردی هر شخص ایرانی و یا افغانستانی در دامن زدن به این بحران‌ها قابل انکار نیست اما به‌نظر می‌رسد مشکل اصلی ضعف ساختاری و نهادی در سیاست‌گذاری‌های مهاجرتی است که پیشینه‌ای به وسعت شروع مهاجرت‌ها از افغانستان به ایران دارد. حدود چهارده پیش، اولین موج مهاجرت‌ها شروع شد. برخلاف بیشتر کشورهای پناهندگان را در اردوگاه‌ها اسکان می‌دادند، مهاجران وارد ایران شدند و در شهرهای مختلف سکنی گزیدند. دروازه‌ها سخاوتمندانه و با رویکردی غیرقفلانی به‌روی پناهندگان باز بود و در ورود انبوه‌وار آن‌ها، فیلترهای قانونی و بسامانی رعایت نمی‌شد و همگی به‌صورت قانونی و غیرقانونی از مرزها

نگین قاری خبرنگار

چند روزی به اتفاق خانواده رفیق‌همه پیشه مشهد. ساعت ده شب به‌تهران بازگشتیم. فقط دو زن در کوچه حضور داشتند و هر دو هم افغانستانی بودند. حس ناخوشایندی داشتم. پادم آمد که محله پر شده از مهاجران افغانستانی. سه سالی هست که حتی سبزی‌فروش محله هم اهل افغانستان است. اینجا افغانستانی‌ها گویا حق آب‌وگل دارند. با تلخی اندیشیدم سال‌ها قبل که آن‌ها را در حال زندگی و کار سخت و شرافتمندانه می‌دیدم، آکنده از حس مهر و همدلی بودم، اما نگاهم در سال‌های اخیر، کمی عوض شده است. هر جا که می‌روم، هستند. آن‌قدر مهاجران افغانستانی در متروی تهران حضور پرزنگی دارند که گاهی در یک‌واگن قطار به‌عنوان مسافر ایرانی در اقلیت قرار می‌گیری. علاوه بر مترو، در مدارس، پارک‌ها و اماکن تفریحی، مراکز بهداشتی و درمانی، صفوف طولانی نانولپی‌ها و بسیاری از مراکز ارائه‌کننده خدمات رفاهی و معیشتی تهران توابع آن، حضور پررنگ افغانستانی‌ها به‌چشم می‌آید. به‌عنوان یک ایرانی، نگرانی حس غالب من و بسیاری دیگر در مورد حضور افزایش‌یافته مهاجران افغانستانی است.

— آیا موضع‌گیری‌ها علیه

حضور مهاجران افغانستانی منصفانه است؟

چرا با وجود این همه اشتراکات از جمله: زبان، دین و فرهنگ میان دو ملت ایران و افغانستان، مهر و همدلی در نگاه ایرانی جای خود را به نگرانی، ترس و اعتراض داده است؟ بکنند ما ایرانی‌هایی رحم و نژادپرست شده‌ایم؟ سعی می‌کنم منصفانه به‌مسئله این روزهای ایران در مورد افغانستانی‌ها بیندیشم. «ما و آن‌ها» ضمانتی هستند که در این مورد وجود دارند و سال‌ها حضور افغانستانی‌ها در کشور و حتی تولد و زندگی فرزندان‌شان هم نتوانسته تمایز این کلمات را در میان دو ملت از میان برد بویژه در

مریم ابراهیمی تسهیلگر ازدواج

مثل همیشه که سخنرانی داشتم با در تلو یزبون صحبت می‌کردم، نظرات مثبت و منفی همیشه با هم بود. روز گذشته نیز عده‌ای خیلی تشکر کردند و گفتند که حرف‌ها دل ما را زدید. روز گذشته بخش مربوط به پسرها بیشتر وایرال شد و برخی واکنش‌های منفی نشان دادند. برخی از پسر‌ها از نقدهایی که به آن‌ها وارد شد ناراحت شدند، البته باید بگویم نقد به دخترها و پسر‌ها تقریباً به‌صورت تساوی مطرح شده بود. پس از سخنرانی ما، رهبر انقلاب اسامی ما را نام بردند و گفتند که نکات خوبی را مطرح کردید. برای مثال، یکی از گزارش‌ها به این

است، باید اصلاح شوند. من با اهل فل هم مشورت کردم و به هیچ عنوان در متن تغییری ایجاد نکردند. فقط اطلاعاتی به من دادند که متوجه شدم آن‌ها قایده ندارد. یکی از این عزیزان به من گفت در مورد مشاوره ازدواج با بیمه صحبت کرده‌ایم، ولی بیمه گفت ما فقط برای درمان‌های عادی بودجه داریم، چرا باید برای مشاوره ازدواج پول بدهیم؟

در نهایت تصمیم گرفتم همان طور که صحبت کردم، فقط روی موضوعات فرهنگی تمرکز کنم و وارد جزئیات دیگر نشوم. در مورد وام ازدواج هم که به نظر می‌رسد تصمیم اشتباهی است و عواقب بدی دارد، تصمیم گرفتم که این را در متن بگنجانم.